

آن اوست.^(۱)

علامه محمد حسن مظفر در کتابی تحت عنوان: «الانقاص عن رجال احوال الصحاح» از ۳۸۸ راوی نام می‌برد که حداقل به استناد دو تن از رجالیان معروف اهل سنت به شدت مورد طعن و ضعف قرار گرفته‌اند.^(۲)

گذشته از عالمان شیعی، صحیح بخاری از جهت ذکر راویان ضعیف، از سوی بزرگان اهل سنت نیز مورد انتقاد قرار گرفته است.

ابن حجر می‌گوید: «حفاظ در یکصد و ده حدیث بخاری تشکیک کرده و آنها را فاقد صحت می‌دانند و هشتمین از چهارصد راویانی که منحصراً در صحیح بخاری آمده تضعیف شده‌اند. او خود در مقدمه جلد دوم شرح خود بر بخاری، اسامی چهارصد تن از راویان ضعیف و علت ضعف آنها را از نگاه رجالیان آورده است».^(۳)

حافظ زین الدین عراقی پس از ذکر سخن محمّد بن طاهر که گفت: «بخاری و مسلم شرط کرده‌اند، تنها روایاتی که وثاقت راویان آن اتفاق نظر بوده و تا صحابی مشهور متصل است را آورده‌اند» می‌گوید: «این سخن، سخن درستی نیست؛ زیرا نسایی گروهی از راویان بخاری و مسلم، با هر کدام از آنان را تضعیف کرده است».^(۴)

بدر الدین عینی می‌گوید: «در صحیح بخاری گروهی ذکر شده‌اند که برخی از رجالیان مقدم آنان را تضعیف کرده‌اند».^(۵)

ب. ضعف‌های محتوایی صحیح بخاری

گذشته از اشکال‌های پیش گفته، مهم‌ترین نقد بر صحیح بخاری انعکاس روایاتی است که از هر جهت با فرهنگ و آموزه‌های قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام حتی از دیدگاه برخی از

۱. اُصْوَءَ عَلَى السَّئَةِ الْمُحْتَدِهِ، ص ۳۲۷ به نقل از الفصول المهمة فی تألیف الأئمة، ص ۱۵۹ و ۱۶۸. هم چنین رک المراجعات، ص ۴۱۵؛ النّص و الاجتهاد ص ۵۲۷؛ معالم المدرّسین، ج ۲، ص ۴۳۹؛ درالسات الحديث و المحدثین، ص ۱۶۱ - ۱۱۱.
 ۲. علم حدیث، ص ۲۵۳.
 ۳. اُصْوَءَ عَلَى السَّئَةِ الْمُحْتَدِهِ، ص ۳۱۷ به نقل از فتح الباری، ج ۲، ص ۸۱.
 ۴. همان، ص ۳۲۵.
 ۵. همان.

۵۷ حدیث و از انس بن مالک بیش از ۲۰۰ حدیث نقل کرده، ولی از علی علیه‌السلام که باب مدینه العلم بود ۱۹ حدیث و از زهرا دختر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تنها یک حدیث نقل کرده است و از دیگر اهل بیت و علویین و از امام حسن علیه‌السلام که هم سنّ عبد الله بن زبیر بود، و زید بن علی که دارای مسند و امام فرقه زیدیه است و امام صادق علیه‌السلام که بیشترین سهم را در ترویج فرهنگ اسلامی در دانشگاه مدینه پس از پدر بزرگوارش امام باقر علیه‌السلام داشت و امام کاظم و امام رضا علیه‌السلام که از نظر دانش و معرفت اسلامی شهره آفاقند، و امام جواد و امام هادی که هم عصر او بودند و هر کدام مرجع علوم، معارف و حدیث اسلامی به شمار می‌آمدند، حتی یک حدیث نقل نکرده است.^(۱)

علامه شرف الدین می‌نویسد:
 «از همه زشت‌تر آن که بخاری در صحیح خود به ائمه اهل بیت علیهم‌السلام احتجاج نکرده است؛ زیرا هیچ روایتی را از صادق، کاظم، رضا، جواد، هادی، زکی عسکری علیهم‌السلام، در حالی که معاصر آنان بود نقل نکرده، چنان که از حسن بن حسن، زید بن علی بن حسین، یحیی بن زید، نفس زکیه... و نه دیگر بزرگان عترت طاهره و گل‌های باغ زهرا؛ بسا نیک عبد الله بن حسن و علی بن جعفر عریضی و دیگران، هیچ حدیثی نقل نکرده است. و حتی یک حدیث از سبط اکبر و ریحانه پیامبر و سرور جوانان بهشت حسن مجتبی علیه‌السلام نیاورده است، در حالی که گفتار پرچمدار خوارج که بیشترین دشمنی را با اهل بیت علیهم‌السلام داشت؛ یعنی عمران بن حطان را آورده است، همو که در تمجید ابن ملجم و ضریت زدن و به علی علیه‌السلام چنین سروده است:

بسا ضربة من تقی ما اراد بها الا یبلغ من ذی العرش رضوانا
 چه ضربتی بود از آن پرهیزکارا که از آن خیز رسیدن به رضایت خداوند هدفی نداشت.
 انی لا ذکره یوماً فأحسبه او فی البریة عند الله مزیناً

روزی او [ابن ملجم] را به یاد آوردم و می‌پندارم که سنگین‌ترین میزان نزد خداوند از

۱. علم حدیث، ص ۲۵۲ - ۲۵۳.

یحیی، احمد بن حنبل، اسحاق بن راهویه و محمد بن اسماعیل بخاری فراگرفت.^(۱) وسعت دانش او در زمینه روایات و نیز پرکاری اش باعث شد که بزرگانی؛ هم چون احمد بن سلمه و ابو عیسی ترمذی که در حدیث همپای او به شمار می رفتند، از او دانش حدیث فراگیرند.^(۲)

نوی شمارى از کتاب‌های مسلم را بر شمرده است.^(۳)

محمد بن ماسرجی می گوید: «کتاب صحیح را از میان سیصد هزار حدیث که خود شنیدیم، فراهم آوردیم».^(۴)

صحیح مسلم پس از صحیح بخاری معتبرترین کتاب نزد اهل سنت است. و بنا به نقل ابن کثیر عالمان در غرب جهان اسلام و ابو علی نیشابوری در شرق جهان اسلام صحیح مسلم را حتی بر صحیح بخاری ترجیح می دهند.^(۵)

شمار روایات صحیح مسلم ۷۲۷۵ روایت و با حذف مکررات ۳۰۱۸ روایت است.

شرح صحیح مسلم بن حجاج از نوی (م ۶۷۷)، الدیباچ علی صحیح مسلم بن الحجاج از جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱) از مهمترین شرح های صحیح مسلم اند.

مقایسه‌ای میان صحیح مسلم با صحیح بخاری

گرچه مسلم نیز بسان بخاری روایات را در صورت برخورداری از شرایطی، صحیح دانسته و در کتاب خود آورده است، اما در برخی از شرایط با بخاری هماهنگ نیست. مثلاً بخاری در نقل حدیث همزمانی راوی با شیخ حدیث و ملاقات آن دو را شرط می داند، اما مسلم همزمانی را کافی دانسته و ملاقات را لازم نمی داند. از سوی دیگر ملاک های توثیق از نگاه بخاری و مسلم یکسان نیست. بدین خاطر مسلم روایات برخی از راویان را آورده که بخاری از ذکر آنها اجتناب کرده است.

۱. تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۱۰۱؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۵۸، ص ۸۶-۸۷.
۲. شرح مسلم، ج ۱، ص ۸.
۳. همان.
۴. تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۱۰۲؛ البدایه و النهایه، ج ۱۱، ص ۴۰.
۵. البدایه و النهایه، ج ۱۱، ص ۴۰؛ مقدمه ابن صلاح، ص ۲۰.

صاحب نظران اهل سنت مخالف است. از سوی دیگر قداست و جایگاه رفیع این کتاب در میان جامعه دینی اهل سنت باعث شد تا این روایات مورد استناد و اعتنای بسیاری از پژوهشگران قرار گیرد.

بدون تردید اگر مدعی باشیم که صحیح بخاری در شکل دهی به بسیاری از اندیشه های ناصواب کلامی و فقهی و دور ساختن امت اسلامی از فرهنگ ناب اسلامی و قرآنی به عنوان مهم ترین منبع روایی، بیشترین نقش را داشته است، سخنی از روی گرفت نخواهد بود.

«صحیح بخاری» در بُعد توحید، از خدایی بیاد می کند که دارای جسم، اعضاء و جوارح و قابل رؤیت است و مانند موجودات عادی، محل اعراض و صفات قابل زوال است. و در بعد نبوت از پیامبرانی یاد می کند که دروغ می گویند، غذای حرام می خورند، زن باره اند، برای فرار از مرگ، چشم عزرائیل را می کنند، با حال جنایت نماز می خوانند، اشتباه کار و فراموش خاطرانند، در نبوت خود تردید دارند، مورد سحر ساحران قرار می گیرند... و در ایجاد دیگر، قرآن را تحریف شده معرفی می کند، مباشرت با حائض را جائز می شمرد و غنا را مباح معرفی می کند.^(۱)

الکواکب الداراری از شمس الدین کرمانی (م ۷۸۶)، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری از ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲) و عمدة القاری فی شرح صحیح البخاری از بدر الدین عینی (م ۸۵۵) از مهمترین شرح های صحیح بخاری به شمار می روند.

۴. صحیح مسلم بن حجاج قشیری (م ۲۶۱)

ابو الحسین مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری در سال ۲۰۴ هجری در نیشابور به دنیا آمد و در سال ۲۶۱ هجری در همین شهر وفات یافت.^(۲) وی تحصیل خود را در زادگاه خود پی گرفت و سپس برای تکمیل علم آموزی خود به شهرهای مختلف در عراق، حجاز، شام و مصر مسافرت کرد. او حدیث را از محضر اساتید نامداری؛ مانند یحیی بن

۱. علم حدیث، ص ۳۵۶؛ برای آگاهی بیشتر از این دست از روایات رک نجفی، محمد صادق، سیری در صحیحین.
۲. تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۲۶۱؛ البدایه و النهایه، ج ۱۱، ص ۴۱.

احمد بن حنبل رسانده و او کتابش را مورد تأیید قرار داد.^(۱)

بدین خاطر کتاب سنن ابو داود از اعتبار زیادی برخوردار بوده و پس از صحیح بخاری و مسلم در مرتبه سوم قرار دارد.

خطابی می‌گوید: «در علم حدیث بسان سنن ابوداود نگاشته نشده است».^(۲) مشهورترین راویان سنن عبارتند از: ابو سعید بن اعرابی، ابو علی لؤلؤی، ابوبکر بن داسه. و کتاب سنن بنا به روایت ابو علی لؤلؤی انتشار یافته است.^(۳) شمار روایات سنن ابو داود براساس چاپ دارالسلام ۵۲۷۴ روایت است.

۶. سنن محمد بن عیسی ترمذی (م ۲۷۹)

ابو عیسی محمد بن عیسی ترمذی در سال ۲۰۹ هجری در روستای بوخ از روستاهای شهر ترمذ در کنار رود جیحون^(۴) به دنیا آمد و در سال ۲۷۹ هجری در همین شهر وفات یافت. او حدیث را از مشایخ حدیث، هم چون قتیبة ابن سعید، اسحاق بن راهویه و ابو مصعب زهری فراگرفت و برای طلب حدیث به شهرهای مختلف؛ از جمله خراسان، عراق، حجاز و بغداد مسافرت نمود.^(۵) آنگاه به زادگاه خود بازگشت و کتاب سنن را در همین شهر نگاشت. برخی گفته‌اند که او در پایان عمر نایبنا شد لذا به او لقب ضریر داده‌اند.^(۶) وی دارای حافظه و هوش سرشاری بود. او نخستین کسی است که اصطلاح «حسن» را برای آن دسته از احادیثی که یک درجه از صحیح کمتر است را باب کرد. پیش از او حدیث تنها به صحیح و ضعیف تقسیم می‌شد.^(۷)

دانستنی است که این کتاب دارای دو نام مشهور است: ۱. جامع ترمذی؛ ۲. سنن ترمذی. و نام نخست آن در میان حدیث پژوهانی، هم چون سمعانی، مزری، ذهبی،

۱. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۲۰۹.
۲. به نقل از عم حدیث، ص ۴۱.
۳. تاریخ عمومی حدیث، ص ۱۴۸.
۴. ترمذ از شهرهای قدیم ماوراء النهر و شمال بلخ و جزو جمهوری تاجیکستان است. علم حدیث، ص ۳۲۷.
۵. تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۲۶۶؛ تهذیب الکمال، ج ۱۶، ص ۲۵۲. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۲۷۱.
۶. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۲۷۰.
۷. أفضاء علی السنة المحمّدية، ص ۳۳۴. أصول الحدیث، ۳۳۱.

از سوی دیگر صحیح مسلم را از جهاتی که بیشتر به ساختار و چینش روایات مربوط است بر صحیح بخاری ترجیح داده‌اند هر چند بخاری از جهت غوص در دانش حدیث و گسترش آگاهی در این زمینه و نیز بهره‌مندی بیشتر از بزرگان حدیث بر مسلم برتری دارد. چنان که مقام استادی او بر مسلم، برتری او را تقویت کرده است.^(۱)

۵. سنن ابی داود سلیمان بن اشعث سجستانی (م ۲۷۵)

ابو داود سلیمان بن اشعث آزدی سجستانی در سال ۲۰۲ هجری به دنیا آمد و در سال ۲۷۵ هجری در بصره وفات یافت.^(۲) او برای فراگیری حدیث به شهرهای خراسان، شام، مصر و حجاز مسافرت کرد و در نهایت تا پایان عمر در بصره رحل اقامت افکند. او فقه و حدیث را نزد احمد بن حنبل و صفوان بن صالح، قتیبة بن سعید و اسحق بن راهویه فرا گرفت.^(۳)

گفته‌اند که ترمذی، نسایی، صاحبان سنن و ابو عوفه اسفراینی از او حدیث سماع کرده‌اند.^(۴) و او را امام محدثان در عصر خود دانسته‌اند.^(۵) ابو داود دارای آثار مختلف علمی، از جمله کتاب «المسائل» است که در آن به پرسش‌های احمد بن حنبل پاسخ گفته است.

ابو داود به دنبال آن بود تا احادیثی را گرد آورد که برای استدلال فقهاء به کار می‌آمد و احکام از آنها استنباط می‌شد. بر این اساس کتاب سنن خود را فراهم آورد. ابوبکر بن داسه یکی از راویان سنن از ابو داود این سخن را نقل کرده است: «از روایات رسول خدا ﷺ پانصد هزار روایت نگاشتم و از میان آنها ۴۸۰۰ حدیث انتخاب کردم و روایات صحیح و نزدیک به صحیح را در آن آوردم».^(۶) او کتاب خود را پس از نگارش به رؤیت

۱. برای تفصیل بیشتر رک: شرح مسلم، ج ۱، ص ۱۱ و ۱۲؛ أصول الحدیث، ص ۳۱۶؛ أفضاء علی السنة المحمّدية، ص ۳۳۲-۳۳۹.
۲. تاریخ مدنیة دمشق، ج ۳۲، ص ۱۹۶؛ الاعلام، ج ۳، ص ۱۲۲؛ البداية و النہایة، ج ۱۱، ص ۶۵.
۳. تاریخ مدنیة دمشق، ج ۱، ص ۱۹۱؛ سیر اعلام النبلاء، ص ۱۰۳، ص ۲۰۴؛ تهذیب التہذیب، ج ۴، ص ۱۵۰.
۴. تاریخ مدنیة دمشق، ج ۱، ص ۱۹۲ و ص ۱۹۷؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۲۰۵.
۵. تاریخ مدنیة دمشق، ج ۱، ص ۱۹۳.
۶. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۲۰۹؛ البداية و النہایة، ج ۱۱، ص ۶۴.

آوردن تا باعث هدایت آنان شود.^(۱) گویند: پس از تألیف این کتاب شامیان از او خواستند تا کتابی درباره فضائل معاویه بنویسد، اما نسایی گفت: چه بنویسم درباره کسی که رسول خدا ﷺ درباره او فرمود: «لا اُتبع الله بطه، خداوند شکمش را سیر نکند». آنان با شنیدن این سخن او را مورد هجوم قرار داد و پس از ضرب و شتم از شهر بیرون کردند، که همین حادثه به فوت او در مکه انجامید.^(۲)

نسایی در آغاز، کتاب مفصلی درباره احادیث پیامبر ﷺ فراهم ساخت و آن را «السنن الکبری» نامید و در آن روایات صحیح، حسن و ضعیف را گردآورد و هنگامی که آن را به امیر رمله تقدیم کرد او از نسایی پرسید: آیا همه روایات سنن صحیح است؟ نسایی پاسخ داد: در این کتاب احادیث صحیح، حسن و روایاتی نزدیک به آنها را گرد آورده‌ام. امیر رمله به او گفت: احادیث صحیح را از آن استخراج کن. نسایی در پی این درخواست به تلخیص و استخراج احادیث صحیح «السنن الکبری» پرداخت و نام آن را «السنن المجتبى» گذاشت که همان سنن معروف اوست، که از آن به «السنن الصغیر» نیز یاد می‌شود و از طریق این سنن روایت شده است.

با توجه به ضابط و متقن بودن نسایی و اعمال شرائط سخت‌تر از بخاری و مسلم در انتخاب روایات، سنن او در ردیف صحاح سته به عنوان کتاب معتبر شناخته شد، به گونه‌ای که برخی آن را بخاطر صحت روایات و تنظیم ابواب فقهی همنای سنن ابو داود، یا در مرتبه‌ای پس از آن دانسته‌اند.^(۳)

نسایی از راویان ضعیف، روایات بس اندکی نقل کرده است. با این حال این کثیر معتقد است: در سنن نسایی راویان مجهول و مجروح و نیز روایات ضعیف، معطل و منکر آمده است.^(۴)

از جمله اشکالات سنن نسایی تکرار بیش از حد روایات در آن است که از این جهت در میان صحاح سته منحصر به فرد است. به عنوان مثال روایت نیت شازده بار در کتاب او

۱. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۱۲۹.
۲. همان، ص ۱۲۳.
۳. به نقل از مقدمه سنن نسایی، ص ۵.
۴. به نقل از أضواء علی السنة المجتبه، ص ۳۳۵.

عسقلانی و... مشهور است.

از نظر البانی این عنوان از آن جهت بر این کتاب زینده است که او در کتابش فوائد و علومی را آورده که حتی در صحیح بخاری و سایر کتب یافت نمی‌شود.^(۱)

برخی نیز؛ هم چون چلی در کشف الظنون و احمد شاکر بر آن عنوان «الجامع الصحیح» گذاشته‌اند.^(۲) ترمذی چنان که خود گفته است کتابش را پس از نگارش بر محدثان حجاز، عراق و خراسان عرضه کرد و آنان کتابش را مورد تأیید قرار دادند.^(۳) و در تمجید از آن گفته‌اند: «من کان فی بینه هذا الکتاب فکأنتما نسی»؛ هر کس در خانه‌اش سنن ترمذی باشد، گویا پیامبری در خانه دارد.^(۴)

سنن ترمذی بر اساس چاپ دار السلام ۳۹۵۶ روایت است.

۷. سنن احمد بن شعیب نسایی (م ۳۵۳)

ابو عبد الرحمن احمد بن شعیب نسایی در سال ۲۱۵ هجری در شهر نساء از شهرهای قدیم ایران ما بین سرخس و مرو و آبپورد متولد شد. او در سال ۳۰۳ هجری درسی مضروب شدن در شام مجروح و سپس در مکه از دنیا رفت و میان صفا و مروه مدفون شد.^(۵) او نزد بزرگانی همچون اسحاق بن راهویه (م ۲۳۷)؛ حصین بن منصور، عیسی بن حماد و... دانش آموخت.^(۶)

او نسبت به اهل بیت ﷺ محبت ویژه داشت، لذا برخی او را به تشیع نسبت داده‌اند.^(۷) او کتابی به نام «خصائص» در فضائل امیر مؤمنان دارد و خود می‌گوید: وقتی وارد شام شدم مردم آن سامان را منحرف از علی ﷺ یافتیم، از این رو به نگارش این کتاب روی

۱. ضیف سنن الترمذی، ص ۱۸.
۲. همان، ص ۱۷.
۳. تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۳۳۴ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۲۷۴.
۴. همان.
۵. تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۷۰۱ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۱۲۵. فقهی ولادت او سال ۲۱۰ هجری دانسته است.
۶. تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۲۶؛ البدایة و النهایة، ج ۱۱، ص ۱۲۳.
۷. برای تفصیل بیشتر ر.ک: خنایم امیرالمؤمنین، ص ۳۲-۳۴. از جمله معین تشیع نسایی علامه سید محسن جبل عاملی است. ر.ک: اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۲۴۸. به نقل از همان.

سیوطی برخی از روایان احادیث سنن را اشخاص متهم به کذب و سرقت حدیث دانسته و معتقد است: این دست از احادیث از طریق دیگر نیز نقل شده است.^(۱)

مصباح الزجاجة از سیوطی و کفایة الحاجة از سندی از جمله شرح‌های سنن ابن ماجه‌اند.

۱. به نقل از تاریخ عمومی حدیث، ص ۱۴۷.

تکرار شده است.^(۱)

در سنن نسائی ۵۷۶۱ روایت آمده است.^(۲)

۸. سنن ابن ماجه قزوینی (م ۲۷۳)

ابو عبد الله محمد بن یزید ابن ماجه ربعی قزوینی در سال ۲۰۷ یا ۲۰۹ هجری تولد و در سال ۲۷۳ هجری وفات یافت. او برای تکمیل دانش حدیثی خود به شهرهای مختلف علمی آن روزگار؛ از قبیل بغداد، کوفه، بصره، شام، حجاز و ری مسافرت کرد و از مشایخ بزرگ، همچون: علی بن محمد طنافسی، مصعب بن عبد الله زبیری، و... علوم حدیث را فراگرفت.^(۳)

او دارای کتابی در تفسیر قرآن و کتابی درباره تاریخ قرین است.^(۴) اما مهمترین اثر او کتاب سنن است که در زمینه ابواب فقهی (طهارت تا دیات) در دو جلد نگاشته و در میان صحاح سته اهل سنت به عنوان آخرین کتاب از نظر اعتبار شناخته شده است. البته غالباً مؤلفان مالکی به جای سنن ابن ماجه، موطأ مالک را به عنوان کتاب معتبر در میان صحاح سته می‌شناسند.^(۵) گذشته از طرفداران مذهب مالکی، شماری از صاحب نظران؛ هم چون ابن اثیر جزیری، موطأ مالک را بر سنن ابن ماجه ترجیح داده و برخی دیگر سنن «دارمی» را از سنن ابن ماجه برتر می‌دانند.^(۶)

سنن ابن ماجه دارای ۴۳۴۱ حدیث است که حدود ۳۰۲ حدیث آن در پنج کتاب دیگر از میان صحاح آمده و از میان روایات باقیمانده تنها ۴۲۸ حدیث به عنوان روایت صحیح شناخته شده است.^(۷)

۱. علم الحدیث، ص ۵۲.
 ۲. أصول الحدیث، ص ۳۲۵.
 ۳. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۲۷۷-۲۷۸، اعلام، ج ۷، ص ۱۴۴.
 ۴. الاعلام، ج ۷، ص ۱۴۴.
 ۵. کتابخانه ابن طاووس، ص ۳۲۲.
 ۶. و اصول الحدیث، ص ۳۲۷، تاریخ عمومی حدیث، ص ۱۴۷.
 ۷. همان.

نمودار سته اهل سنت + موطأ مالک و مسند احمد بن حنبل

عنوان کتاب	نام پدید آورنده	ولادت و درگذشت	شماره روایات	شمار جلد ها	شرح های معروف
۵. موطأ مالک	مالک بن انس	۱۷۹-۹۳	۳۰۹۱	۲ جلد	کتاب الصلاة والتزكوة البرکات از سبوع
۶. مسند احمد بن حنبل	احمد بن حنبل	۲۴۱-۱۶۴	۲۷۵۱۹	۶ جلد	مسند ابی یوسف الامم احمد از سبوع
۷. الجامع الصحیح	محمد بن اسماعیل بخاری	۲۵۶-۱۹۴	۷۵۶۳	۸ جلد	فتح الباری ابن حجر ومعه قاری از سبوع
۱۸. الجامع الصحیح	مسلم بن حجاج قشیری	۲۶۱-۲۰۴	۷۲۷۵	۸ جلد	الجامع الصحیح از سبوع
۹. سنن بی دود	سلیمان بن ائیمت سجستانی	۲۷۵-۲۰۲	۵۲۷۶	۲ جلد	مسند ابی یوسف روضة الصمد از سبوع
۱۰. جامع ترمذی	ابو عیسیٰ محمد بن عیسیٰ ترمذی	۲۷۹-۲۰۹	۳۹۵۶	۵ جلد	مسند ابی یوسف توضیح المسند از سبوع
۱۱. سنن نسائی	احمد بن شعیب نسائی	۳۰۳-۲۱۵	۵۷۶۱	۶ جلد	روضة الصمد از سبوع و حلیه سنن
۱۲. سنن ابن ماجه	محمد بن یزید ابن ماجه قزوینی	۲۷۳-۲۰۹	۳۳۳۱	۲ جلد	مسند ابی یوسف و کتاب الصمد از سبوع

دوره نخستین

دوره تکمیل و تنظیم جوامع روایی

کتاب‌های هشت گانه روایی نخستین، یعنی موطأ مالک، مسند احمد بن حنبل و صحاح سته با توجه به پیش گامی تاریخی، شخصیت مؤلفان و انقائ کتاب‌های نگاشته شده، در سطحی عالی از اعتبار قرار گرفتند و تلاش‌های بعدی برای تکمیل و تنظیم جوامع روایی متأثر از این جوامع روایی شکل گرفت. بدین ترتیب پس از عرضه جوامع روایی نخستین عالمان حدیث دریافته‌اند که بخش قابل توجهی از روایات به رغم برخورداری از شرایط صحت چه از نگاه صاحبان جوامع و چه از نگاه محدثان دیگر در این کتاب‌ها انعکاس نیافته است. از طرفی دیگر آنان در دورانی به سر می‌بردند که از نظر خود هنوز به سرچشمه‌های اولیه روایات؛ اعم از مکتوبات و مشایخ حدیثی دسترسی داشتند. بنابراین احساس کردند که اگر به تکمیل کارهای پیشین نپردازند این بخش از میراث روایی از کف خواهد رفت. چنان که بسیاری از عالمان حدیث دریافته‌اند که لازم است جوامع روایی و حذف روایات مکرر می‌بایست آن‌ها را به صورت تنظیم یافته عرضه کرد. بدین ترتیب دوره تکمیل و تنظیم شکل گرفت و کتاب‌هایی فراهم آمد که شماری از آن‌ها را در این جا معرفی می‌کنیم.

باید توجه داشت که دوره تکمیل بخاطر ضرورت تکیه داشتن به منابع اولیه بیشتر در سده چهارم و بلافاصله پس از دوره تدوین شکل گرفت. اما دوره تنظیم بخاطر عدم ضرورت تکیه داشتن به منابع حدیثی اولیه تا سده کنونی استمرار یافته است.

اهم منابع حدیثی در دوره تنظیم

۱. مصابیح السنه، نگاشته حسین بن مسعود شافعی معروف به فراء بغوی (م ۵۱۶).
بغوی در این کتاب، روایات صحاح سته، مؤلفاً مالک، سنن دارمی و... را با حذف سند و با تنظیم جدید آورده است. خود در مقدمه گفته است که اسانید روایات را بخاطر رعایت اختصار و با توجه به وجود آنها در منابع اصلی نیاورده است. او احادیث کتاب را به دو دسته صحیح و حسن تقسیم کرده است. مقصود او از صحیح، روایات بخاری و مسلم و مقصود از حسن روایات سایر کتاب‌ها است. و از آن جا که این اصطلاح، جدید و طبق نظر شخصی خود او ارائه شده، مورد انتقاد قرار گرفته است.^(۱)
- پس از نگارش این کتاب محمد بن عبدالله مشهور به خطیب تبریزی (م ۷۳۰) با افزودن فصلی جدید به کتاب بغوی که شامل روایات ضعیف است و نیز با مشخص ساختن روایان و منابع روایت، کتاب «مشكاة المصابیح» را فراهم آورد که در مقایسه با کتاب بغوی مورد استقبال بیشتر قرار گرفت و برخی، هم چون بیضاوی بر آن شرح نگاشتند. کتاب مصابیح در مجموع دارای ۴۳ شرح است. این کتاب در چهار جلد منتشر شده است.
۲. جامع الاصول فی احادیث الرسول، نگاشته ابوالسعادات مبارک بن محمد معروف به ابن اثیر جزیری (م ۷۰۶).
این جزیری کتاب خود را بر اساس کتاب التجرید الصحیح للمصاح السنه، اثر احمد بن رذین فراهم آورده، با این تفاوت که وی تنها به روایات صحیح صحاح بسنده نکرده، بلکه سایر روایات را نیز مرتب ساخت. ابواب و روایات جامع الاصول بر اساس حروف الفبا تنظیم شده و مؤلف در صدر هر روایت نام کتابی که حدیث را از آنجا نقل کرده، آورده است. از سوی دیگر اسناد روایات به استثنای آخرین راوی، حذف شده و مؤلف پاره‌ای از واژه‌ها و عبارات‌های دشوار روایات را توضیح داده است. ابن اثیر در پایان کتاب اسامی تمام راویان را به ترتیب حروف آورده است. کتاب جامع الاصول در ۱۴ جلد چاپ و مورد استقبال محققان قرار گرفته است.
۳. المسند الجامع لأحادیث الکتب السنه و مؤلفات اصحابها الأخری و مؤلفاً مالک و

۱. برای تفصیل بیشتر، ر. ک. مقدمه مصابیح السنه، ج ۱ ص ۱۱۰.

اهم منابع روایی در دوره تکمیل

۱. المسند الصحیح، نگاشته ابوحاتم محمد بن حنبل معروف به ابن حنبل (م ۳۵۴). او مورخ، جغرافی دان و محدث بود.
المسند الصحیح به صحیح ابن حنبل نیز مشهور است. این حنبل در این کتاب روایت را در پنج موضوع کلی، یعنی اوامر، نواهی، اخبار، اباحات و افعال پیامبر ﷺ طبقه بندی کرد و کتاب او را بخاطر این دسته بندی، «الأنواع و التفاسیر» نیز گفته‌اند. برخی معتقداند که کتاب او از نظر صحت بر سنن ابن ماجه برتری دارد.^(۱)
۲. الإزاعات، نگاشته ابوالحسن علی بن عمر بن أحمد معروف به دارقطنی (م ۳۸۵)
است، که در زمینه علوم حدیث دارای چهل اثر؛ از جمله التصحیف فی الحدیث، کتاب الجرح و التعذیل، کتاب الملل فی الحدیث است.^(۲)
دار قطنی در کتاب «الایزاعات علی الصحیحین» روایاتی را که طبق شرائط بخاری و مسلم صحیح بوده و در صحاح آنها نیز نیامده، اسندراک کرده است.
۳. المستدرک علی الصحیحین، نگاشته ابو عبد الله محمد بن عبد الله حاکم نیشابوری (م ۴۰۵).
حاکم نیشابوری از محدثان پرکار اهل سنت است، او در کتابش روایاتی که بر خوردار از شرائط بخاری و مسلم بود و آنان در کتاب خود نیاورده‌اند، در کتابش گرد آورده و بدین جهت نام کتابش را المستدرک علی الصحیحین گذاشت. این کتاب در چهار جلد منتشر شده و دارای ۸۸۰۳ روایت است.

۱. الاعلام، ج ۵ ص ۷۸.

۲. هدیة الطالبین، ج ۱ ص ۸۳.

۳. برای تفصیل بیشتر، ر. ک. المستدرک علی الصحیحین، ج ۱ ص ۷-۱۰.

دوران متأخر بزرگترین کتاب حدیثی اهل سنت به شمار می‌رود - به آن جامع کبیر گفته شده است. در این کتاب نیز بسان جامع المسانید این کثیر روایات ضعیف در کنار روایات صحیح آمده است؛ زیرا هدف مؤلف گردآوری همه روایات بوده است. سیوطی روایات کتاب را بدون سند ذکر می‌کند و آنها را در دو بخش «اقوال» که روایات پیامبر ﷺ به ترتیب حروف الفباء در آن تنظیم شده است، و «افعال» که بر مبنای اسانید روایات صحابیان در آن ارائه شده، گردآورده است.

سیوطی خود با نگاشتن کتاب «المختصر الجامع لقصیر فی احادیث البشیر الذبیر» به تلخیص و تنقیح کتاب جامع کبیر خود اقدام کرد و تلاش نمود روایات ضعیف را از آن بزداید. این کتاب در بردارنده ۱۰۳۱ روایت است.

ع. کتر المال فی سنن الاقوال و الافعال، نگاشته علاء الدین علی بن حسام معروف به متقی هندی (م ۹۷۵ یا ۹۷۷ هـ).

متقی هندی در مقدمه کتاب توضیح داده که چون دیده است دو کتاب الجامع الصغیر و زوائد آن - تألیف جلال الدین سیوطی - که تلخیصی از بخش اقوال الجامع الکبیر اوست، بر اساس حروف الفباء تنظیم شده و کتاب‌های مناسبی است، آنها را بر اساس ترتیب ابواب فقهی در یک کتاب با نام «منهج العمال فی سنن الاقوال» منتشر ساخت، آنگاه با افزودن بخش‌های دیگر اقوال الجامع الکبیر به آن، کتاب «الاکمال لمنهج العمال» را فراهم آورد و با ادغام دو کتاب مزبور، کتابی با نام «غایه العمال» عرضه داشت. آنگاه با افزودن بخش افعال النبی از الجامع الکبیر، مجموعه‌ای منظم از اقوال و افعال پیامبر ﷺ را با الهام از الجامع الکبیر سیوطی فراهم آورد و نام آن را کتر العمال فی سنن الاقوال و الافعال گذاشت، او معتقد است: ضمن تنظیم و تزیین کتاب سیوطی، روایات از الجامع الصغیر او را که در الجامع الکبیر انعکاس نیافته، در این کتاب آورده است. ^(۱) در حقیقت کتر العمال گردآوری و تنظیم روایات سه کتاب الجامع الکبیر، الجامع الصغیر و زوائد الجامع الصغیر جلال الدین سیوطی است. این کتاب در ۱۸ جلد منتشر شده است.

۱. برای تفصیل بیشتر رک: کتر المال، ج ۱، ص ۲ - ۴.

مسانید الحمیدی و احمد بن حنبل و... نگاشته هیأتی با انشرف بشّار عواد (معاصر) در این کتاب - چنان که از عنوان آن پیداست - روایات صحاح سته و کتاب‌های روایی صاحبان صحاح، موّلاً مالک، مسند حمیدی و ابن حنبل، مسند عبد بن حمید، سنن دارمی و صحیح ابن خریزه در مجموع ۲۱ کتاب آمده است. مؤلفان این کتاب روایات را بر اساس شیوه کتاب‌های مسند بر محور صحابه تنظیم کرده و در تنظیم روایات هر یک از صحابه از شیوه کتاب‌های سنن بهره گرفته‌اند؛ یعنی روایات را بر اساس ابواب فقهی منعکس ساخته‌اند. در این کتاب روایات مقطوع، مرسل و معلق نیامده و مجموع روایات آن ۱۷۸۰۲ روایت است که از ۱۲۳۷ صحابی نقل شده است.

۴. جامع المسانید و السنن الهادی لاقوم السنن، نگاشته اسماعیل بن عمر بن کنیر معروف به ابن کثیر دمشقی (م ۷۷۴).

ابن کثیر در این کتاب روایات صحاح سته، مسند احمد حنبل، مسند ابوبکر بزاز، مسند ابویعلی موصلی و معجم کبیر طبرانی - مجموعاً ده کتاب - را گرد آورده است. او کتاب خود را بر اساس شیوه مسانید بر محور صحابه و بر اساس حروف الفباء تنظیم کرده است. بدین ترتیب او نخست شرح حال کوفته‌ای درباره آن صحابی و دیدگاه رجالیان درباره جرح و تعدیل آنان را ارائه می‌کند، آنگاه روایات او را ذکر می‌کند. از آنجا که مؤلف در صد گردآوری تمام روایات بوده به ذکر روایات صحیح بسنده نکرده و روایات حسن و ضعیف و حتی موضوع نیز در آن آمده است. شمار روایات این کتاب حدود یکصد هزار روایت است که در سی و یک جلد به چاپ رسیده است. ^(۱) این کتاب در زمینه گردآوری و نیز تبیین درجه صحت روایات و ذکر آراء رجالی، کامل‌ترین و جامع‌ترین کتاب به نظر می‌رسد.

۵. جمع الجوامع، نگاشته عبدالرحمن بن ابی‌بکر معروف به جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱ هـ).

سیوطی در این کتاب روایات صحاح سته، مسند احمد بن حنبل، موّلاً مالک بن انس و بیش از هفتاد کتاب دیگری را آورده است. از جهت گستر دگی این کتاب - که در

۱. برای تفصیل بیشتر رک: مسند نویسی، ص ۴۵۷ - ۴۶۷.